

22 جولای 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش نهم)

مبحث هفتم

توظیف کمسیون بیطرف و بررسی موضوعات مهم مصب رود هلمند

طوریکه در مبحث قبلی تذکر رفت، قرارداد تقسیم آب هیرمند بین دولتین (مورخه 8 دلو 1317ش) با آنکه از طرف حکومت ایران و افغانستان و همچنان از طرف مجلس (پارلمان) ایران تائید گردیده بود، اما چون شورای ملی افغانستان در ماه جوزای 1318 بر آن صحه نگذاشت و آنرا رد کرد، در نتیجه قرارداد مذکور از اعتبار حقوقی ساقط گردید. حکومت ایران در سالهای بعد اصرار و سعی بر آن داشت تا بهر وسیله ممکن حکومت افغانستان را وادار به قبول آن قرارداد سازد، اما حکومت افغانستان در 18 اسد 1333ش قاطعانه تردید قرارداد مذکور را به اطلاع مقامات ایرانی رسانید. در فاصله 16 سال (از 1317 تا 1333) تحولات مهم در زمینه به وجود آمد که ضرورت غور مجدد بر موضوع تقسیم آب دریای هلمند را بین دو کشور حتمی ساخت، از جمله خشکسالی شدید در سال 1326ش و نیز پلان رویدست گرفتن چند پروژه انکشافی در وادی هلمند، بخصوص پیشبینی اعمار بند کجکی و کشیدن نهر بغرا. جانب ایرانی از اعمار این پروژه ها نگران بود و آنرا دلیل احتمال تقلیل جریان آب رود هلمند در مصب آن رودخانه عنوان میکرد و بر حکومت افغانستان معترض بود که این اقدامات موجب نرسیدن آب کافی برای سیستان میگردد، و اما حکومت افغانستان به تردید این اعتراض ها می پرداخت و استفاده از آب دریای هلمند را جزء حق حاکمیت ملی کشور میدانست. به این ترتیب موضوع فوق بر مناسبات دوستانه بین دو کشور با گذشت هر روز بیشتر سایه می افکند، تا آنکه جانب ایرانی به استناد معاهدات قبلی بخصوص معاهده مورخه 6 قوس 1306 و ضمیمه آن پیشنهاد کرد تا یک هیئت مشترک از مسیر دریای هلمند بازدید نماید.

حکومت افغانستان نخست این نظر را رد کرد، اما وقتی متوجه شد که ایرانی ها در آنطرف مصب رودخانه در ساحه سیستان به اعمار بندها و سد های آبرگردان اقدام کرده اند که موجب بلند رفتن سطح آب میگردد و از این طریق اراضی قابل زرع چخانسور زیر آب رفته و به زراعت آنجا صدمه وارد میشود، با این پیشنهاد ایرانی ها موافقت کرد و به وساطت یک کشور ثالث جهت بررسی دقیق موضوع به تاسی از ضمیمه معاهده 1306ش ابراز آمادگی نمود. در ضمیمه آن معاهده آمده بود که: «نظر به فصل ششم قرارداد ودادیه و تأمینیه منعقد مابین دولتین ایران و افغانستان، طرفین متعاهدین برای طرز اجراء به حکمیت اینطور موافقت نمودند که در صورت ظهور اختلاف مابین طرفین متعاهدین هرگاه از مجرای سیاسی حل قضیه نشود، هریک از طرفین یکی از رجال مهم مملکت خود را بطور تفویض انتخاب می نمایند. در صورت عدم موافقت رأی میان آنها، دو حکم مذکور منقفاً یکی

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

از رجال مهم مملکت بیطرف ثالثی را انتخاب خواهند نمود و رأی آن حکم ثالث درباب مابه الاختلاف قطعی الاجراء خواهد بود.»

با روحیه ماده فوق تصمیم بر آن شد تا در قدم اول موضوع اب دریای هلمند بطور کل و همه جانبه از طرف یک کشور ثالث مورد بررسی و تحقیق تخنیکي قرارگیرد تا در پرتوآن هیئت های دو طرف جهت حل معضله به یک تفاهم عادلانه و عملی رسیده بتوانند.

در سال 1327 ایالات متحده امریکا حاضر شد در زمینه وساطت نماید و حکومت ایران و افغانستان موافقه کردند تا به پیشنهاد حکومت امریکا از چند نفر متخصصین آبیاری از کشورهای مختلف به حیث یک کمیسیون بیطرف دعوت نمایند که به بررسی موضوع بطور همه جانبه به ارائه مشوره های لازم بپردازند. در تابستان 1329 حکومت امریکا یک انجنیر (مهندس) "محقق" امریکائی را بنام مالکم جونز M. H. Jones به موافقه هردو کشور توظیف نمود تا معلومات درباره آب و زراعت را جمع آوری نماید. درعین زمان نمایندگان هردو کشور چندبار در واشنگتن اجتماع نمودند و به تبادل نظر پرداختند. عبدالحسن عزیز، انجنیر محمد کبیر لودین و عبدالحمید عزیز از طرف افغانستان و آقای آرام و دکتور غلام حسین خوشبین از طرف ایران اعضای این هیئت بودند. آنها نخست درباره Terms of References (دستورالعمل) کمیسیون بیطرف مسمی به "کمیسیون مصب رود هلمند" به مذاکره پرداختند و بتاريخ 7 سپتمبر 1950م (سنبله 1329) دستورالعمل را امضاء کردند.

به این اساس کمیسیون بیطرف که متشکل از سه نفر متخصص امور آب و آبیاری بودند و با موافقه حکومت های ایران و افغانستان از سه کشور مختلف بیطرف انتخاب شده بودند، هر یک: فرانسسکو دومینگوئیز F.J. Dominguez (پروفیسور آبیاری دریکی از پوهنتونهای کشور چیلی)، رابرت لوری Robert L. Lowry (انجنیر مشاور حکومت امریکا) و کرسٹوفر ویب C. E Webb (انجنیر منابع آب اداره انکشاف منابع کانادا) در اکتوبر 1950 به وادی سفلی هلمند در هردو کشور مسافرت کردند. آنها نتیجه مطالعات خود را طی یک راپور مفصل بتاريخ 28 فیبروری 1951 (حوت 1330ش) تحت عنوان Report of the Helmand River Delta: Commission-Afghanistan-Iran پس از یک مقدمه در داخل 12 فصل و جمعاً 221 فقره تهیه و به اختیار هیئت های طرفین در حالی قرار دادند که بند کجکی زیرکار بود و در سال 1952 تکمیل گردید.

نگاه اجمالی بر راپور کمیسیون بیطرف:

در مقدمه راپور ضمن سخنان دیگر آمده است که: هردو کشور ایران و افغانستان موافقه نموده اند که راپور این کمیسیون فنی بیطرف را که صرف وجه مشورتی دارد، تحت غور قرار دهند... و به عقیده کمیسیون حکومتین میتوانند بایک طرز نوین مذاکره به اساس تحقیقات مهندسی این راپور، راه حل رضائیت بخش پیدا کنند... هنگام مسافرت، اعضای کمیسیون موقع یافتند که در هردو کشور درباره مشکلات آبیاری محلی در هردو طرف سرحد با زارعین مذاکره نمایند... کمیسیون امیدوار است که مواد محتوی هذا با سفارشها و پیشنهادهای توافق طرفین، اساس مهمی را برای موافقه با دوام و مورد رضائیت طرفین برای تقسیم آب هلمند در منطقه مصب رودخانه تشکیل دهد... کمیسیون از خدمات سه عضو تخنیکي و نیز از انجنیر محقق امریکائی بدینوسیله قدردانی مینماید... و نیز از مساعی نمایندگان و مهمانداران رسمی هیئت در هردو کشور عبدالحمید خان زابلی و نجیب الله خان (سفیر

افغانستان درهند) و نیز از آقای خزیمه علم (عضو مجلس ایران) ابراز امتنان میدارد و از پذیرانی و همکاری حکومت آن دو کشور تمجید میکند.

فصل اول راپور بیشتر به ذکر سوابق موضوع و همچنان لزوم گماشتن یک کمیسیون بیطرف و تعیین اعضای آن و همچنان ذکر جزئیات "دستورالعمل" تحقیقات و ارائه راپور به هیئت های دوطرف و نیز به وزارت خارجه امریکا به حیث کشور وسیط اختصاص دارد که شرح هریک آن در اینجا لزومی ندارد و موجب طوالت کلام میگردد.

خوشبختانه متن مکمل ترجمه دری این راپور مهم فنی و تاریخی با ضمایم که به ندرت در دسترس قرار میگیرد، در فصل ششم کتاب پرمحتوای "سرگذشت سیستان و رود هیرمند.."، تألیف کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی از صفحه 230 تا 317 گنجائیده شده و علاقمندان میتوانند برای کسب معلومات مزید به آن مأخذ مراجعه نمایند.

البته اشاره مختصر به مطالب و محتوای فصول بعدی این راپور برای علاقمندانی که آرزومند مطالعه بیشتر در زمینه باشند، معلومات مختصرذیل درباره محتویات هر فصل راپور با ذکر فقرات مجموعی مندرج آن با استفاده از مأخذ فوق الذکر در اینجا تقدیم میشود: فصل اول از فقره 1 الی 5 زیر عنوان: صلاحیت های کمیسیون، بیشتر به توضیح نکات مختلف دستورالعمل و تفسیر مطالب آن می پردازد؛ فصل دوم از فقره 6 الی 10 نکات قابل بحث راپور را توضیح میکند؛ فصل سوم از فقره 11 الی 16 سوابق موضوع را از حکمیت گولد سمید تا مکماهون و از آنوقت تا مطالعات کمیسیون در سال 1950 بررسی میدارد؛ فصل چهارم از فقره 17 تا 36 به معرفی حوضه رود هلمند اختصاص یافته که پس از شرح عمومی، به بررسی قسمت های علیای هلمند، بستر و تنگه آن و همچنان مصب رود خانه که از بند کمال خان تا بندکهنک و دریای پریان ادامه دارد، می پردازد و نیز مناطق آبگیر رود هلمند را توأم با شرحی در مورد آب و هوا، بارندگی، درجه حرارت و رطوبت بخصوص در ساحات سیستان ایران و چخانسور (ولایت نیمروز) افغانستان احتوا میکند؛ فصل پنجم از فقره 37 تا 57 زراعت را در مصب رودخانه بررسی میکند و از نوعیت خاک، از بین رفتن جنگلات و زراعت طی سالهای مختلف بحث میراند؛ فصل ششم از فقره 58 تا 81 ساحات قابل زرع را با مساحت اراضی که در سال 1950 بوسیله آب رودخانه آبیاری میشوند، شرح میدهد؛ فصل هفتم از فقره 82 الی 121 به بررسی منابع ذخیره آب دلتای هلمند اختصاص یافته و پس از یک مرور تاریخی به نتایج اندازه گیری و پیمایش اندازه آب در دستگاه های چاربرجک، رود سیستان و رود پریان می پردازد و مقدار جریان آب را در سالهای سیلابهای مدش، نورمال و خشکسالی ها به روی ارقام ارائه میدارد؛ فصل هشتم از فقره 121 الی 161 مقدار آب مورد ضرورت را بررسی میکند، طرق و اصول آبیاری را با احتیاجات اساسی آب در زراعت و باغداری و نیز ضایعات آب بطور کل و بخصوص حین آبیاری بیان میکند و نیز به تثبیت آب مورد نیاز و تقسیم ماهانه احتیاجات آب در سیستان و چخانسور برطبق عرف و سوابق تاریخی در انهار و دریاچه های آنجا می پردازد؛ فصل نهم از فقره 162 الی 189 به توضیح انکشافات جاری (1950) و نیز انکشافات احتمالی آینده در ساحات چخانسور (که اکنون ولایت نیمروز نامیده میشود) و نیز انکشافات در قسمت علیای دریای هلمند اختصاص یافته؛ فصل دهم از فقره 190 تا 204 یکی از مهمترین بخش راپور است که نتایج حاصله از راپور را احتوا میکند و مشتمل است بر: مقدار آب دلتا، نیاز آب در گذشته و حال، لزوم نصب دستگاه های هایدرولیک (آب شناسی) جدید در دلتا و تأسیسات مربوط به آب در ناحیه علیای دریای هلمند؛ فصل

یازدهم از فقره 205 الی 220 به ارائه پیشنهاد ها و اساسات مهندسی برای موفقیت هر دو طرف یعنی ایران و افغانستان در رسیدن بیک تفاهم اختصاص یافته و بالاخره فصل دوازدهم در فقره 221 با تقدیم سفارش ها از جانب کمیسیون راپور پایان می یابد. ناگفته نباید گذاشت که راپور تحقیقاتی فوق در مجموع در آنوقت یکی از بهترین تحقیقات تکنیکی در ارتباط با موضوع آب دریای هلمند بوده و بعد از تحقیقات مکماهون از اهمیت تاریخی و علمی برخوردار است و اکنون این راپور به حیث یک سند تاریخی برای مطالعات بعدی محسوب میشود.

نکات مهم راپور کمیسیون بیطرف مندرج فصول دهم الی دوازدهم:

1 - فشرده هریک از فقرات فصل دهم:

فقره 191: فصول اساسی زراعت در منطقه دلتا عبارت است از حبوبات گندم و جو که در خزان زرع و در بهار درو میشود، لذا شرایط ناگوار اقلیمی در تابستان موجب میشود که زراعت در فصل تابستان در آنجا از نظر اقتصادی مفید نباشد. تنظیم بهتر ذخیره آب در طول مدت موسم آبیاری میتواند محصولات را به اندازه زیاد بالا ببرد.... کمبود آب در گذشته به استثنای سالهای کم آب، ناشی از بی کفایتی در طرز گشتاندن آب از نهرهای عمومی ناحیه دلتا بوده و در چنین موارد قلت آب از سرچشمه موجب کم آبی نشده است؛ یک اندازه همکاری دوطرف سرحد میتواندست این وضعیت را بهبود بخشد.

فقره 192: مقدار آبی که به دلتا در صورت نورمال رسیده همیشه از مقداریکه طرف ضرورت بوده و یا از آن استفاده صحیح شده بتواند، به مراتب زیادتر بوده است.

فقره 193: انکشاف پروژه های فعلیه در قسمت های علیای هلمند، مقدار آب را در دلتا از اندازه عادی آن کمتر نساخته است.

فقره 194: پروژه ها در قسمت علیای دلتا، آبهای سیلابی را تقلیل خواهد داد، اما مقدار آب اضافی و باقیمانده که از مخزن قسمت علیا به قسمت های سفلی خواهد رسید، در اثر تنظیم برای دلتا موافق بضرویات آبیاری آن بیشتر آب خواهد رسانید.

فقره 195: قرار معلومات حاصله تاریخی، کمترین مقدار آب در خشکترین سال که برای دلتا میسر شده، بیش از یک ملیون ایکرفت آب بوده و این مقدار دوچند مقدار آبی است که به مصرف آبیاری در آن منطقه رسیده است.....

فقره 196: سیلابها در منطقه دلتا عموماً نسبت به خشک آبی به مراتب بیشتر خساره وارد ساخته است... پروژه های انکشافی از سیلابها جلوگیری خواهند نمود... اما سیلابهای مدهش مثل سابق به دلتا خساره وارد خواهد کرد. در تمام پلانهای آینده از روی ضرورت و اجبار بایستی پیشبینی شود که سیلابهای مدهش با کمترین خساره به دلتا کنترل گردد.

فقره 197: در قدیم بصورت اوسط 190 هزار ایگر زمین در منطقه دلتا آبیاری میشد که از این جمله 149 هزار ایگر آن در سیستان و 41 هزار ایگر آن در چخانسور واقع است. سالانه بصورت تخمین جهت تهیه آب برای این اندازه ضرورت، به شرح ذیل آب از رودخانه گردانیده میشد: - سیستان 530 هزار ایکرفت، - چخانسور 160 هزار ایکرفت، جمله 690 هزار ایکرفت.

فقره 198: ضرورت فعلیه آب بشمول یک مقدار کافی برای مصارف داخلی و ذخیره که طبق اندک تغییر مقدار اراضی بین دو مملکت تقسیم شده است، بقرار ذیل میباشد: - در سیستان 556 هزار ایکرفت (معادل اوسط جریان ماهوار 22 متر مکعب فی ثانیه)، - در چخانسور 143 هزار ایکرفت (معادل اوسط جریان ماهوار 5.7 متر مکعب فی ثانیه) که جمله 699 هزار ایکرفت میشود.

فقره 199: از رهگذر موقعیت استفاده از آب در قسمتهای علیا، پیش از اینکه از آن در قسمتهای سفلی استفاده بعمل آید، صورت گرفت. لذا در اثر پروژه هائیکه در قسمتهای علیا زیر نظر است، عقیده براین است که به فائده هر دو مملکت خواهد بود... در سالهائیکه آب هلمند پایان تر از نورمال است، آب متناسب به قلت آن توزیع شود.

فقره 200: اعمار دستگاه های جدید هایدرولیک با دیوار بلند میتواند سطح آب ذخیره را بلند ببرند و بدانوسیله آب بتواند به زمین های مرتفع از سطح آب برسد ساختمان چنین دستگاه ها برای هر دو طرف در دلتا مفید است.

فقره 201: درمورد دیگر همچو پروژه ها که در سیستان و چخانسور رویدست گرفته میشوند، باید اراضی و خاک منطقه بطور مکمل سروی شود تا اراضی بهتر انتخاب گردند تا آب موجوده بصورت مقتصدانه بکار افتاده بتواند.

فقره 203: بعد از اینکه مخزن کجکی تکمیل شود، در نتیجه آب بصورت علمی توزیع شده میتواند. توسط این بند میتوان جریانهای غیرمنظم سابقه را به جریانهای منظم تبدیل نمود که برای زراعت مفید باشد... مامورین [افغان] به کمسیون تذکر دادند که تنها آب سیل در این مخزن ذخیره میشود که در انکشاف مناطق علیای هلمند معاونت نموده و به امور زراعتی منطقه دلتا کدام اختلال وارد نخواهد ساخت....

فقره 204: بعد از اینکه مخزن کجکی بکار می افتد، پروژه بغرا بدون آنکه به آبیاری عادی منطقه دلتا سکنه وارد گردد، بزودی انکشاف یافته میتواند. انکشاف تدریجی اراضی بغرا، پیش از تکمیل بند کجکی بدون اینکه به سیستم مروجه آبیاری قسمتهای سفلی سکتگی وارد شود، پیشرفت کرده میتواند، بشرطیکه برای اراضی جدید بغرا محض در حالیکه مقدار جریان آب برای طرفین بقدر کافی باشد، از رود خانه آب گردانیده شود.

فشرده پیشنهادهای کمسیون، مندرج فصل یازدهم:

فقره 205: احداث تأسیسات که فعلاً در پیشرفت و جریان است و یا اینکه پلان آن طرح شده، اگر بصورت مناسب در معرض عمل گذاشته شود، برای هر دو مملکت مفید ثابت خواهد شد.

فقره 206: فقدان مفاهمه مستحکم [باثبات] در گذشته و ناقص بودن معلومات تخنیکی راجع به مقدار آب هلمند سفلی، تشخیص یک موافقتنامه فوری و مؤثر را برای آینده بعید میسازد. بنابراین تجویز میشود که به اساس مفاهمه مشترک درباره احتیاجات اضافی طرفین به آب طبق سیستم قدیم فعلاً یک گونه مفاهمه و موافقه ابتدائی مؤقتی که موعد آن از پنج سال کمتر نباشد، بین دو کشور منعقد گردد. بعد از اینکه مخزن مجوزه که در قسمت علیای هلمند زیر نظر است، به تکمیل میرسد، بر موافقتنامه ابتدائی تجدید نظر بعمل آید تا دیده شود که مخزن مذکور چگونه آپریت [بکار اندخته] میشود و از آن چه تجاربی بدست می آید... آنگاه میتوان به روی معلومات جدید بر موافقتنامه تجدید نظر نمود...

فقره 207: در موافقتنامه ابتدائی نکات ذیل را کمیسیون جهت غور پیشنهاد میکند:

فقره 208: موافقه بعمل آید که در سالهای نورمال، احتیاجات ماهانه آبیاری قسمیکه اکنون قایم گردیده، توسط استفاده ها در قسمتهای علیا کم ساخته نشود و این هم بایست مسلم پنداشته شود که اگر در صورت خشک آبی، سرتاسر حوضه دریا به خشک آبی مواجه شود، آنگاه بستر دریا در دلتا هم خشک خواهد شد.

فقره 209: یک استیشن پیمایش آب مربوط هر دو کشور بطرف قسمت علیای رودخانه؟؟ [مقصد قسمت های علیای دلتا است] به فاصله پنج یا ده میل از کهک و یک استیشن دیگر بر رود مشترک پائین تر از کهک ساخته شود. این استیشن بایستی مشترکاً اداره و مشترکاً نگهداری شود و بایست آب در این استیشن به اوقات لازمه توسط اشخاص فنی طرفین پیمایش شده بتواند.

فقره 210: افغانستان پروگرام خود را راجع به پیمایش آب هلمند ادامه دهد و بر علاوه در تعمیر دو استیشن پیمایشی فوق هم سهم بگیرد تا معلومات علمی راجع به تغییر رژیم رودخانه بدست آید.

فقره 211: انکشاف اراضی بغرا از حدودیکه پلان شده تا موقعیکه مخزن کجکی بکار می افتد، تجاوز ننماید، به شرطیکه در منطقه دلتا کشاندن مجموعی آب به پروژه بغرا جریان آب را پائین تر از حدود مروجہ تقلیل ندهد، نبایستی خساره برسد..... و موقعیکه مخزن کجکی بکار می افتد، قید مذکور از بین می رود.

فقره 212: اندازه ذخیره آب در مخزن کجکی قسمی محدود قرار داده شود که مقدار آب برای استفاده نورمال منطقه دلتا کم نشود.

فقره 213: تأکید بر ایران که دروازه های آبگردان را در رود سیستان بلند ببرد تا جریان آن در رود سیستان و رود مشترک بطور متناسب تقسیم گردد.

فقره 214: آبیکه در کهک در اوقات جریان پست و در موقعیکه شرایط کنترل نشده از رودخانه هنوز حکمفرما باشد، پیمایش میشود و برای استفاده سکنه افغانی و ایرانی مطابق به احتیاجات مروجہ طرفین جریان داده میشود.

فقره 215: توسعه در انکشاف آبیاری منطقه دلتا در هر دو مملکت در صورتی مجاز باشد که از انکشاف مذکور آبهای بی فائده طرف استفاده قرار گرفته بتواند، اما حدود این توسعه ها بایستی برای رفع احتیاجات مروجہ طرفین به آب مفید باشد.

فقره 216: در تجدید موافقتنامه ابتدائی که بعدها بعمل می آید، کمیسیون مراتب ذیل را یادداشت میکند.

فقره 217: هر دو مملکت بایستی به موافقه ابتدائی که قبلاً بین هر دو به اساس مقدار آب در دلتا که قدیم مورد استفاده قرار داده میشد، بعمل آمده پابندی نمایند.

فقره 218: اقلماً بایستی برای پنج سال دیگر ریکارد جریان آب پیمایش شود تا معلومات بهتر راجع به جریان آب در قسمت علیای رود خانه و قسمت دلتا بدست آید...

فقره 219: ذخیره آب بند کجکی به ترتیبی تنظیم گردد که جریان پایان آب از مقدار دخول آب به ذخیره در زمانیکه مقدار دخول آب مذکور تنها ضروریات احتیاج ساحات پائین را تکافو کند، کمتر نشود.

فقره 220: آنگاه به اساس ریکارد جریان آب که به روی یک مدت درازتر میتوان راجع به آبی که برای توسعه آبیاری در سیستان طرف ضرورت است، به مذاکره پرداخت.

فصل دوازدهم "سفارشها":

فقره 221: در پرتو مطالعاتی که راجع به قضیهٔ مربوط به صورت جریان از طرف کمیون بعمل آمده، در روشنائی نتایجی که استخراج گردیده کمیون مراتب ذیل را برای غور و مذاقهٔ عاجل پیشنهاد میکند:

– هیئت مذاکرات که نمایندگی یکی از دو مملکت را مینماید، از سه نفر عضو متجاوز نباشد. اقلأ یک عضو از دو مملکت بایستی انجنیر بوده و تمام اعضا بایستی راجع به مسائل دارای معلومات کامل بوده و با قسمت دلتا از مملکت مربوطه اش آشنائی کامل داشته باشد.

– پیش از آغاز مذاکرات، این راپور ذریعهٔ اعضای مذاکرات و از طرف هیئت حاکمه هر دو طرف بدقت مطالعه شود.

– ایران باید بصورت فوری در نصب دروازه های بلند به بند "میان کنگی" اقدام کند. هرگونه بند بین المللی که برای گشتاندن آب بالاتر از کهک بعمل می آید، بایستی معوق گذاشته شود تا از جریان بند میان کنگی تجربهٔ کافی بدست آید. افغانستان تا موقعی که مخزن کجکی بکار افتاده، و ذریعهٔ آن جریان آب تحت کنترل و تنظیم می آید، راجع به انکشاف اراضی بغرا محتاطانه اقدام خود را ادامه دهد.

– اصلاح طرق آبیاری در منطقه دلتا بزودی هرچه تمامتر آغاز شود تا از ضیاع بیفایده آب جلوگیری بعمل آید.

– استیشن های پیمایش در نقاطی آتی بصورت فوری ساخته شوند: از طرف افغانستان بر رود هلمند در سربند کجکی؛ از طرف ایران و افغانستان بصورت مشترک بر رود هلمند در کهک و در رود مشترک پائین تر از کهک؛ موجودیت استیشن هایی که قبلاً در نقاط آتی احداث گردیده، ادامه داده شود: بر هلمند در مخزن کجکی، بر هلمند در چاربرجک، بر ارغنداب در قلعه بُست.

– هریک از مملکتین بایست در تمام استیشن هائیکه در خاکش واقع است، ریکارد جریان آب را بصورت مسلسل گرفته برود و ریکارد استیشن بین المللی قسمی ثبت گردد که از طرف جانبین قابل قبول بوده بتواند. **محل امضای هیئت**

قابل توجه: در اینجا باید خاطر نشان ساخت که در ترجمه اصلی این راپور به دری بعضی سگتگی ها به مشاهده میرسد که ناشی از ترجمه تحت اللفظ متن راپور از انگلیسی میباشد و در آنچه از محتویات فصل های دهم تا دوازدهم در فوق تذکر یافته، متن آن در بعضی موارد خلاصه گردیده و فقط به نکات مهم در آن فقرات بسنده شده است. کسانیکه علاقمند مطالعه متن مکمل راپور باشند، به کتاب "سرگذشت سیستان و رود هلمند..."، مأخذ فوق الذکر صفحات 230 تا 317 مراجعه نمایند و نیز علاقمندان مطالعهٔ متن مکمل سه فصل اخیر راپور که اهم آن با ذکر شماره فقرات در بالا ذکر گردیده، در رسالهٔ "اسناد و سوابق موضوع آب از رود هلمند" صفحه 30 تا 37 و نیز در کتاب "روابط سیاسی ایران و افغانستان در قرن 19" صفحه 65 تا 72 رجوع کنند.

(ادامه دارد)